

سه‌شنبه ۴ آبان ۱۴۰۰ • ۱۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۳ • ۲۶ اکتبر ۲۰۲۱



کتاب «تلویزیون؛ جعبه کوچکی که دنیا را تغییر داد» نوشته کیتی کاوا به‌تازگی با‌ترجمه سرور صیادی توسط انتشارات ققنوس منتشر و راهی بازار نشر شده است. این‌کتاب هشتادودومین‌عنوان مجموعه «تاریخ جهان» است که این‌ناشر منتشر می‌کند و نسخه اصلی آن، سال ۲۰۱۹ توسط انتشارات لوستن منتشر شده‌است.

کتاب‌های «مجموعه تاریخ جهان» برای عرضه چشم اندازی گسترده و ژرف از سیر تاریخ منتشر می‌شوند. این‌مجموعه زمینه‌های فرهنگی رخدادهای تاریخی، اندیشه‌های سیاسی، فرهنگی و فلسفه‌های تأثیرگذار را در گذر تمدن بین‌النهرین، مصر باستان، یونان، روم، اروپای قرون وسطی و… معرفی می‌کند.

تلویزیون یکی از تأثیرگذارترین اختراعات بشر است که همچنان هم بر زندگی مردم زمین، تأثیر می‌گذارد. برخی از صاحب‌نظران، تلویزیون را یک‌قدرت عجیب و تأثیرگذار برای تبدیل مردم به توده بی‌معز می‌دانند که استفاده‌اش فقط سرگرمی نیست، بلکه می‌تواند مردم را تلویزیون بی‌حکم می‌آورد.

اما تلویزیون علاوه بر سرگرمی یا استفاده‌های

دیگر، یکی از ابزارهای سیاسی و دستاویز حاکمان و

سیاستمداران نیز هست و به بهتردیده‌شدن خیلی

از سیاستمداران کمک کرده‌است. این‌ابزار رسانه‌ای

در برخی موارد، باعث تبدیل ستاره‌های تلویزیونی

به رهبران سیاسی هم شده که نمونه بارز آن‌ها

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکاست. در

همین‌زمینه در کتاب «تلویزیون» به گزارش مجله

تایم اشاره شده که ترامپ را اولین‌رئیس‌جمهور

تلویزیون واقع‌نامه که به‌واقع با کمک تلویزیون

رئیس‌جمهور شد، خواند.

کیتی کاوا در کتاب «تلویزیون» علاوه بر

مرور تاریخ تلویزیون و تأثیرگذاری‌های سیاسی

و سرگرمی‌اش، به این‌مساله هم اشاره کرده که

این‌ابزار موثر، همه جنبه‌های زندگی مردم را در

جهان از تبلیغات تا نحوه طرفداری از تیم مورد

علاقه، متحول کرده است. آموزش و شیوه‌های

یادگیری هم از دیگر مباحثی هستند که تلویزیون

روی آن‌ها تأثیر گذاشته و تغییرشان داده است.

نویسنده کتاب «تلویزیون» همچنین برنامه‌ها،

فیلم‌ها و سریال‌های تأثیرگذار تلویزیون آمریکا را

معرفی کرده و مسیر تغییر برنامه‌ها و سلیقه‌های

مخاطبان را هم ترسیم کرده است.

کتاب پیش‌رو، فصل اولی دارد که

به‌ترتیب عبارت‌انداز: «تولد تلویزیون»، «برنامه‌های

پیشگام»، «انعکاس دنیای واقعی»، «تلویزیون

جهان را تغییر می‌دهد»، «ظهور تلویزیون کابلی»،

«کانال‌های بیشتر، انتخاب‌های بیشتر» که البته

با یک «سخن پایانی» با عنوان «اوج تلویزیون و

فراتر از آن» همراه شده‌اند. پیش از این فصل

هم دو بخش «رویدادهای مهم تاریخ تلویزیون» و

«پیشگفتار: آزمون دنیای امروز» درج شده‌اند.

در قسمتی از این‌کتاب می‌خوانیم:

اغلب از جنگ ویتنام به‌عنوان اولین جنگی

که تلویزیونی شد نام برده می‌شود. اگرچه فناوری

تلویزیون قبل از جنگ جهانی دوم نیز وجود

داشت و جنگ کره در نخستین سال‌های آغاز به

کار تلویزیون در جریان بود، جنگ ویتنام اولین

جنگی بود که موضوع گزارش‌های خبری تلویزیون

در مقیاس گسترده بود و میلیون‌ها آمریکایی آن

را دنبال می‌کردند. به این‌ترتیب، برای اولین‌بار در

تاریخ ایالات متحده مردم واقعیت‌های بی‌رحمانه

جنگ را در اتاق‌های نشیمن خود به‌صورت منظم

هر شب می‌دیدند. دنیای هلین بعضی از تصاویر

ناراحت‌کننده‌ای را که بینندگان تلویزیون در طول

پخش اخبار جنگ ویتنام شاهدش بودند تشریح

می‌کنند…

این کتاب با ۱۱۸ صفحه، شمارگان هزار و

۱۰۰ نسخه و قیمت ۳۵ هزار تومان منتشر شده

است.

تحلیل ساختاری مفهوم و «مساله» سیاست

در شرق به رویکردهای در علوم انسانی نیاز دارد

که متاسفانه این رویکردها تولید شرقی‌ها نیستند.

در تاریخ تفکر ایران زمین هرچند که فلاسفه در

منظومه فکری خود بحثی درباره سیاست هم

داشته‌اند که با اندکی اغماض می‌توان آن را در

زمره «فلسفه‌های مضاف» به حساب آورد، اما در

نگاه به آن بحث دو مشکل عمده خود را نشان

می‌دهد؛ نخست اینکه این بحث‌ها خود خاستگاه

غربی داشته و ترجمه و شرحی از افکار فلاسفه

یونان باستان (افلاطون و ارسطو) بودند و دو دیگر

اینکه این مباحث در سیر تحولی خود هنگام ورود

به تمدن و فرهنگ اسلامی خاصیتی محض گونه

به خود گرفتند.

در دوران معاصر نیز مساله تحول در علوم

انسانی به تازگی مطرح شده و ما هنوز به تولید

نظریه و رویکردهای تحلیل نرسیده‌ایم و البته

ساختار مباحث بومی شده نیز غربی است. بنابراین

در تحلیل‌ها هنوز ناچاریم از رویکردهای غربی

استفاده کنیم. در این یادداشت در تحلیل مساله

درآمد نفتی و نقش آن در ساختار فرهنگی جامعه

از موضوع شیوه تولید آسیایی استفاده شده که

مشهور است.

تحلیل «شیوه تولید آسیایی» یکی از مفاهیم

مطرح شده توسط دو اندیشمند قرن نوزدهم یعنی

کارل مارکس و فریدریش انگلس بود. این دو ذیل

طرح این بحث در نامه‌نگاری‌های خود به تحلیل

جامعه ایران و نظام تولید کشاورزی نیز پرداختند.

هرچند که بحث درباره شیوه تولید آسیایی در نظام

فکری مارکس قوام یافت، اما شروع چنین نگاهی به

شرق را انگلس باعث شد.

نظام تولید آسیایی و مساله دسپوتیسم

مارکس در تحلیل خود از نظام تولید آسیایی

به ساختار کشاورزی جوامع توجه دارد. در آسیا

به دلیل وجود بیابان‌های بسیار و آب کم مساله

رساندن آب به زمین‌های کشاورزی (که البته

این زمین‌ها هم باید با زحمت بسیار برای کشت

آمده شوند) از جمله اساسی‌ترین کارهاست. در

این سیستم آبیاری باید به صورت مصنوعی باشد

و نمی‌توان آمیدی به نزولات جوی مدام داشت.

آب کم و همچنین لزوم حفاظت از سیستم‌های

آبرسانی و آبیاری لزوم ایجاد ساختاری قوی به

نام دولت برای در دست گرفتن امر توزیع آب و

همچنین محافظت از آبیاری را ایجاد می‌کرد.

دولت‌های مقتدر در شرق پس از به دست

گرفتن نظام توزیع آب، همه مازاد بر تولید

کشاورزان را به عنوان مالیات اخذ می‌کردند. در

دست داشتن منابع آب و توزیع آن این حق را به

آنها می‌داد. در این میان اما یک نکته کلیدی وجود

دارد. «مازاد تولید» در کشاورزی باعث انباشت

سرمایه و تولید ثروت پایدار می‌شود. این ثروت

پایدار اگر در دست کشاورز باشد، او را قدرتمند

می‌کند و قدرت گرفتن او باعث شکل گیری یک

رقیب سیاسی در مقابل حکومت می‌شود. بنابراین

کشاورز صرفا باید قوت سالانه خود برای ادامه

زندگی و کارش را بگیرد.

مالیات‌های دریافتی و انباشت ثروت (ثروتی

که پایدار است) قدرت ساختار حاکم و شخص

شاه را بالاتر برد و اقتداری نظامی و توسعه سپاه

و لشکریان را باعث می‌شد. قدرت گرفتن قوه

قهریه و نیروی نظامی هم به تصرف دیگر کشورها

می‌انجامید و هم قدرت داخلی را افزایش می‌داد.

به همین دلیل نیز حکومت‌ها به تصرف زمین‌های

کشاورزی به نفع شخص شاه و دسپوت اعظم

پرداخت و اهالی کشور بدل به بردگان و رعیت او

شدند.

در این سیستم جدید هر کشاورزی که ندای

مخالفی سرمی‌داد و احياناً پرسشی در نظام توزیع

عدالت برایش پیش می‌آمد، ابتدا حق آب او قطع و

در ادامه زمین کشاورزی‌اش — که روزی در تملک

خودش بود و بعد به تصرف پادشاه درآمد — از او

بازپس گرفته شده و قرارداد کاری‌اش با حکومت

فسخ می‌شد. خلع بد او از همه چیز مقدمه‌ای

بود برای زندانی شدن یا اعدامش. به عبارتی و

به تعبیر آگامبن او تبدیل به هوموساکر می‌شد.

آگامبن شرح داده که هوموساکر مفهومی متعلق

به روم باستان است و به کسی اطلاق می‌شد که

عمل ناشایستی را مرتکب شده و یکی از تابوهای

جامعه را زیر پا گذاشته است و به همین دلیل از

تمام حقوق شهروندی و انسانی خود محروم شده

است. به این ترتیب هوموساکر یک اصطلاح حقوقی

تاملی پیرامون حضور درآمد نفتی در حوزه فرهنگ؛

چرا فرهنگ نفتی مضر است؟



است که در علم اخلاق هم کاربرد دارد. محروم شدن از حقوق انسانی و شهروندی باعث مباح شدن خون هوموساکر هم می‌شد و دیگر شهروندان می‌توانستند بدون آنکه مسئولیتی گردنشان باشد هوموساکر را بکشند. در این حالت هوموساکر از مقام انسانی ساقط شده و هیچ قانونی نمی‌تواند از کرامت و حیات حق حیات او دفاع کند.

لزوم دریافت حق آب و محافظت از زمین کشاورزی خواه ناخواه کشاورزان و کشت‌گران را دچار نوعی محافظه کاری می‌کرد، چرا که زمین‌های کشاورزی و مساله رساندن آب به آن با مشقت و زحمت بسیار و در مواردی با صرف تمامی عمر امکان‌پذیر می‌شد و ایجاد هرگونه مشکلی در آن این زحمات را بر باد فنا می‌داد. تامل در برخی از مناطق کشور و مقایسه آن با نواحی دارای ساختاری متضاد، این محافظه کاری و فرهنگ متفاوت را عیان می‌کند. به عنوان مثال در سرزمین کرمان کشت گران با دو مشکل عمده مواجه بودند: نخست آماده کردن زمینی برای کشاورزی در دل کویر و خاک‌های شوره‌زار که بسیار طاقت فرسا بود و دیگری رساندن آب به این زمین‌ها و طراحی مسیری برای آب از دل کویر بود. در نزاع‌های قرون گذشته معمولاً یک نقشه جنگی سپاه مهاجم تخریب ساختار آبرسانی بود. به همین دلیل نیز کرمانی‌ها تا می‌توانستند از جنگ و درگیری پرهیز می‌کردند. همچنین کرمانی‌ها برای از دست ندادن ساختار آبرسانی و زمین‌های کشاورزی خود به تعامل با حکومت می‌پرداختند. تنها جنگ مهم در تاریخ کرمان، جنگ با سپاه آغامحمدخان قاجار بود که البته آنها را از حیز ارتفاع هم ساقط کرد. در مقابل آنها اما برای ایرانیان شمال کشور مساله محافظه کاری رنگ کمتری داشت.

نفت به مثابه آب

جنش مشروطه مداهی و بیداری ایرانیان جامعه را با مفاهیم خدنی چون دموکراسی، حکومت قانون، مجلس و… آشنا کرد. مساله تولید در آن دوران بر پایه یک نظام فئودالی کشاورزی قرار داشت. صنعت نیز آرام جای خود را باز می‌کرد. مساله تولید در آن دوران با توجه به ادوات ناقص کشاورزی و همچنین نیروی نظامی عقب مانده‌ای که همپای تحولات جهانی رشد نکرده بود، مشکلات عدیده‌ای داشت.

در دوران قاجار به دلیل ضعف نیروهای نظامی و امنیتی، حتی در تهران هم امنیت داخلی چندانی برقرار نبود. وجود گروه‌های شبه نظامی و قطع الطریق که بجز ناامن کردن راه‌ها و ایجاد اشکال در تجارت داخلی، به حملات گاه و بیگاه به شهرها و روستاها نیز اقدام می‌کرد، تولید کشاورزی را با اشکال مواجه می‌کردند، در کنار عدم امنیت در مرزها باعث شده بود تا دیگر با مازاد تولید مواجه نباشیم. در این میان اگر مازاد تولیدی در شمال کشور وجود داشت، تبدیل آنها به سرمایه از طریق تجارت با اشکال مواجه بود.

ساختار ناقص چرخه تولید و عدم تبدیل آن به سرمایه در دوران قاجار به تاگاه به جریان کشف مادهای زیرزمینی به نام نفت گره خورد که قابلیت‌های فراوانی داشت و می‌توانست درآمد سرشاری را نصیب نظام تولید صنعتی کند که البته در ایران وجود نداشت. بنابراین باید این کالای ارزشمند به محل اصلی مصرف خود که در اروپا بود، می‌رفت. به همین دلیل نیاز بود که دویاره حکومت‌مقدری بر سرکار آید و دسپوتیسم شرقی را احیا کند. شکل گیری حکومت رضائی می‌توان در این راستا تحلیل کرد.

چرا «زی‌زی گولو» را دوست داریم؟

تلویزیونی بود و قصه‌های جدید که منحصر به کتاب باشد، ساخته شد. هرچند این مجموعه کتاب قابلیت این را دارد که به صورت انیمیشن دربیاید. چندین‌بار صحبتش شده که فوق‌العاده مناسب انیمه اما هیچ اقدامی درباره‌اش نشده است. او درباره شخصیت‌های کاغذی ماندگار در ادبیات داستانی ایرانی کم است، توضیح داد: موضوع کاملاً روشن است؛ شخصیت‌ها و داستان‌های مطرح در جهان دستمایه

ساخته فیلم و نمایش و انیمیشن و بازی‌های نرم‌افزاری و… قرار گرفته و به نوبه خود به رشد ادبیات یاری رسانده‌اند. ادبیات یک جریان است و فقط تولید قصه و شعر نیست، ادبیات فقط تولد مواد خواندنی برای بچه‌ها نیست، اگر نگاه کنی کتابی که منتشر می‌شود مثلاً «هری پاتر»، فیلمش ساخته می‌شود، سریال می‌شود، انیمیشنش را می‌سازند، تئاترش روی صحنه می‌رود، عروسک‌های تولید می‌شود. در واقع به شکل‌های مختلف روی آن سرمایه‌گذاری و تبلیغات و معرفی می‌شود. همین بدیهستان‌ها باعث تقویت ادبیات می‌شود. فیلم به تقویت ادبیات کمک می‌کند و ادبیات به رشد فیلم. ادبیات فضایی ایجاد می‌کند و سینما و تئاتر و انیمیشن باعث ساخت فرهنگ می‌شود. مثلاً سریال خارجی‌ای ساخته می‌شود که بعد از ۶۰-۵۰ سال باز دیده می‌شود، مسلماً این شخصیت‌ها خود را نشان می‌دهند، رشد می‌کنند، مطرح می‌شوند، شناسنامه و هویت می‌گیرند و تأثیرگذار می‌شوند. اما در کشور ما این‌طور نیست، ما «هیچ ما نگاه» کاری ساخته می‌شود و بعد محافظه، نه آرشپو و نه خاطره‌ای از آن می‌ماند، زمانی که به من می‌رسند و می‌گویند «... شما بخشی از خاطرات نوجوانی ما هستی». «ا. زی‌زی گولو، …»، فقط این ا مانده است برای همان نسلی که در آن محدوده

اکنون نیز هزینه تمام دستگاه‌های کشور از پول نفت پرداخت می‌شود. وابستگی حوزه فرهنگ و تمام زیرساخت‌هایش نیز به پول نفت بیشتر از پیش شد. توسعه رسانه‌ها نیز از پول نفت انجام و حقوق کارکنان نیز کامکان از پول نفت پرداخت می‌شد. (و اکنون نیز می‌شود). این در صورتی است که نفت کالایی سرمایه‌ای است و نباید پول حاصل از فروش آن مستقیماً وارد بودجه کشور شود.

افت وابستگی تمام دستگاه‌های دولتی و حکومتی در کشور وقتی خود را نشان می‌دهند که اخلالی در صادرات نفت پیش بیاید. این اخلال پیش از هرچیز نتیجه عدم تأسیس نهادهای اقتصادی تولیدکننده ثروت پایدار است. زمانی که همه درآمد کشور وابسته به صادرات یک ماده باشد، قطعاً دست نظام جهانی مخالف با سیاست‌های کشور برای اجرای نقشه‌های جنگی‌اش باز است. به همین دلیل هم رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از نخستین سال‌های رهبری‌شان ضرورت راهی از وابستگی بودجه به درآمد نفتی را به دولت‌ها گوشزد کرده و می‌کنند، اما کو گوش نشوا. از این نکته نیز گذر می‌کنیم.

عده‌ای در نظام و ساختار تخصیص بودجه به کشور پس از انقلاب و ادامه همان ساختار قبلی، باعث شد تا مساله دسپوتیسم شرقی به حیات چند هزار ساله خود در شکلی جدیدتر ادامه دهد. گستردگی دولت و گستردگی نهادهایی که وابسته به پول نفت هستند، باعث شد تا مدیران هرکدام از آنها خود بدل به یک مستبد شوند. در طول دولت‌های پس از انقلاب، بارها پیش آمد که نهادی به صرف انتقاد از دولت بودج‌اش با کاهش بسیاری مواجه شد. این اتفاق حتی برای نهادهایی چون قوه قضاییه و سازمان صدا و سیما هم رخ داد.

به عبارتی عامل شکل‌گیری دسپوتیسم پس از انقلاب نیز پول نفت بود، اما در شکل تازه‌تر این پول باعث شد تا عاملیت و قدرت استبدادی در میان مدیران میانی توزیع شود. این استبداد در سطحی کلان در رفتار دولت در امر خصوصی سازی خود را نشان می‌دهد و در سطحی خردتر در وضعیت دردناک و البته مضحک رسانه‌ها در ایران.

دولت کمالی فی‌السابق به دلیل تسلطش بر منابع خود تعیین می‌کند که چه کسانی از پول نفت بهره ببرند. او برای امر خصوصی سازی کارخانه‌جات سودده را که از پول نفت ساخته شده‌اند به وابستگان خود اهدا! می‌کند. کارخانه‌جاتی که اکنون دیگر به خاک سیاه نشسته‌اند. یکی از مثال‌های دیگر در وضعیت ایران، رانتهی است که دولت قبل از دلار دولتی در اختیار تاجران که عمدتاً وابستگان به دولت هستند، قرار می‌داد. این میان بلند شدن هرگونه صدای مخالفی، قطع شدن مقری صاحبان آن صدا از سفره نفت را حاصل شده است.

ضربه‌ای که این نظام تخصیص منابع به حوزه فرهنگ وارد کرده است، قابل احصا نیست. فرهنگ این میان وابستگی عجیبی به سلیقه‌های موزعان و صاحبان قدرت در این نظام توزیع پیدا کرده است. حتی در این حوزه برنامه‌ریزی کلان نیز صورت نمی‌گیرد و عمر برنامه‌ریزی‌ها در خوشبینانه‌ترین صورت چهار سال است. عدم اجازه به شکل گیری یک نظام نقادی و جامعه منتقدان نیز به بحران حوزه فرهنگ دامن زده است. خاموش شدن صدای منتقد با قطع مجریه از، محافظه کاری منتقدان را رواج داده است. خاموش کردن صدای منتقد جریان آزاد رسانه‌ای را با اشکال مواجه کرده و روزنامه‌نگاران و خبرنگاران را بدل به پیمانکارانی مضحل برای ندیدن مشکلات می‌کند. همچنین استفاده از پول نفت در حوزه صنایع فرهنگی

حاشیه امنیتی برای بهره‌مندان ایجاد می‌کند و این میان کیفیت آثار تولید شده دیگر اهمیتی نخواهد داشت. بنابراین حذف تولیدکنندگان خلاق و تولید آثار نازل از جمله مشکلات فرهنگ نفتی است. (هرچند که نمی‌توان به همه تولیدات حاصل در این روند صفت نازل را اطلاق کرد). این‌گونه است که مدیران مسلط بر نفت و درآمد ارزی حاصله از آن در مقام یک «دسپوت» قرار می‌گیرد. دسپوتیسم شرقی در دوره دموکراسی در این جوامع مقام استبداد را در میان مدیران توزیع می‌کند. به عبارتی صرفاً شکل دموکراسی در این ساختار رعایت می‌شود. به نظر می‌رسد برای راهایی از این استبداد توزیع شده باید وابستگی بسیاری از نهاده‌ا و سازمان‌ها به پول نفت را شکست و نفت و شیوه بهره‌برداری از آن را به رای عموم گذاشت.



زمانی فیلم دیده و بر روی آن‌ها اثر گذاشته است. او در ادامه افزود: زمانی که «زی‌زی گولو» ساخته شد، پادم می‌آید چند نقد و دفترچه و عروسک یا وسیله‌های دیگری با علامت و نقاشی زی‌زی گولو به صورت قاچاق منتشر می‌شد اما هیچ مرجع رسمی نبود که بر آن‌ها نظارت کند اما زمانی که کتابش می‌خواست منتشر شود، بازگانی فلان جا گفت ۲۰ درصد پشت جلد را می‌گیریم. این یعنی چه، اگر ۲۰ درصد را بدهیم دیگر هزینه‌های چاپی چه می‌شود؟ با این کارها فاتحه هر کاری از همان ابتدا خوانده می‌شود.

کاظم اخوان در پایان گفت: به‌نظرم این مصاحبه‌ها و گفت‌وگو باید جدی گرفته شود. دولت هم عوض شده و کارها به دست تشکیلات و گروه جدیدی از مدیران افتاده است و آن‌ها باید فکر اساسی کنند و به نظرخواهی از دست‌اندرکاران و پدیدآورندگان، سیاستگذاری‌های جدی و پایدار در جهت رشد و ارتقاء هنر و ادبیات کودک اتفاق بیفتد. سرمایه‌گذاری مادی و معنوی در این زمینه چندی در دولت شرایط ورود بخش خصوصی را به این هموار کند تا ادبیات نیمه‌جان کودک و نوجوان، جان دوباره بگیرد و سرپا بایستد. ادبیات کودک الان مطلقاً حال خوشی ندارد و این نگران‌کننده است.



با همکاری مشترک سورمه‌ر و انتشارات فانوس دریایی

«نردبان جهان» به زبان اسپانیایی ترجمه شد
کتاب «نردبان جهان» اثری از محمدرضا سرشار به زبان اسپانیایی ترجمه شد. این کار محصول اقدام مشترک انتشارات سوره مهر و انتشارات بین‌المللی فانوس دریایی است. «خلیل سوازو» از ارزاتنین مترجم این کتاب به زبان اسپانیایی است و قرار است انتشار بین المللی کتاب از کشور کلمبیا شروع شود. محمدرضا سرشار در کتاب «نردبان جهان» از پدربزرگش سخن می‌گوید که از مال دنیا جز یک صندوقچه قدیمی پر از کتاب‌های کهنه و تاریخی چیزی از خودش باقی نگذاشته است، اما آن صندوقچه هم به فراموشخانه زیرزمین سپرده شده و با گذشت پنج‌شش سال از مرگ او، تصویر پدربزرگ نیز اندک‌اندک در حافظه‌اش کمرنگ و کدر و از صفحه خاطرش پاک شده است. تا این که سال‌ها بعد، شی پدربزرگش را در خواب دیده که گویی دلگیر است و پشت به او کرده و به سوی زیر زمین خانه رفته است. چند روز بعد او معمای خواب را حل کرده و به کمک مادر و برادرش، صندوق کوچک و سنگین پدربزرگ را از زیرزمین به حیاط آورده است. در میان کتاب‌های قدیمی، نسخه‌ای کوچک و خسی داره که جلد هم ندارد و شیرازه‌اش از هم گسیخته است.

ورق‌های کاهی آن هم کاملاً زرد و پوسیده شده و به نظر می‌رسد که در آستانه از هم پاشیدن است. او زمانی که برای اولین بار آن کتاب را می‌خواند، نتیجه می‌گیرد که داستان آن با وجود زبان اندکی کهنه‌اش کهنش داستان همیشه تاریخ است، زمان و مکان نمی‌شناسد و همواره تازه، زنده و تأثیرگذار است. بعد به این فکر می‌افتد که خواندن این داستان برای نوجوانان، لازم است زیرا در این کتاب از قصه آفرینش سخن می‌گوید و قصه به وجود آمدن آب، زمین، کوه، حیوان، انسان و… را برای نوجوانان شرح می‌دهد و به آن‌ها نشان می‌دهد که خداوند بر همه موجودات هستی چیرگی دارد.

«نردبان جهان» داستانی اسطوره‌ای است بر مبنای ادبیات از حضرت محمد(ص) که برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی به رشته تحریر درآمده است. پیشتر این کتاب با تصویرگری پربروز محماتی منتشر شده بود، اما در ادامه اجرای طرح تجمیم و انتشار آثار نویسندگان پیشکسوت شاخص توسط انتشارات سوره مهر، کتاب شده است. جمع شمارگان چاپ‌های قبلی آن هم به ۷۵ هزار نسخه می‌رسد. دریافت عمیق و دقیق سرشار از متون دینی، باعث شده است که در بیان این داستان، موفق و توانمند عمل کند و از حدیثی کهن، روایتی امروزین به دست دهد. تصویرگری متناسب منصوره محمدی نیز به این فرایند کمک کرده است تا «نردبان جهان» به اثری دلچسب و چشم‌نواز بدل شود. کتاب در ایران تاکنون هفت چاپ را به خود دیده و در ۳۶ منتشر شده است.

خوشبختانه یا متأسفانه بازیگران مشغول کارند!

کمبود بازیگر مناسب در تئاتر ما مساله‌ای پرسابقه است که اتفاقاً فقط مشکل کارگردان‌های جوان و ناشناخته نیست بلکه بزرگ‌ترین کارگردانان ما هم با آن رو به رو بوده‌اند. از همان دوره که داستانی مانند زندیاد حمید سمندریان بعد از اتمام تحصیلات خود به ایران بازگشتند، این معضل در تئاتر ما وجود داشته و در خاطرات این هنرمندان می‌خوانیم که گاه به دلیل نبود بازیگر مناسب، ناچار شده‌اند از خیر اجرای یک نمایشنامه قنرتنم گذرند.

در حال حاضر هم با وجود خیل پر شمار دانش‌آموختگان بازیگری که از دانشگاه‌ها یا آموزشگاه‌های آزاد فارغ‌التحصیل می‌شوند، همچنان با معضل بازیگر رو به رو هستیم ولی این مساله حالا شکل و شمایل دیگری پیدا کرده است.اگر در گذشته یک کارگردان موفق نمی‌شد برای بعضی از نقش‌ها بازیگر مناسبی پیدا کند، امروز ، مشکل اصلی نبود بازیگر نیست بلکه مساله این است که بیشتر بازیگران در پروژه‌های دیگر مشغول به کار هستند و کارگردان یا باید مدت‌ها منتظر آمدن آن بازیگر بماند یا ناچار است آرمان گرایی خود را کنار بگذارد و به حضور بازیگران دیگری راضی شود. در یکی دو سال اخیر، کرونا هم به سهم خود به این مساله قدیمی دامن زد و مشکلات تازه‌ای را پیش‌روی کارگردانان تئاتر قرار داد. کسانی که پیش‌تر خبرهای تئاتر بوده‌اند، می‌دانند که در این دوران کارگردان‌هایی مانند گلاب آدینه و هادی مرزبان به عنوان دو کارگردان شناخته شده تئاتر کشور چگون‌ه با مساله یافتنم بازیگر مناسب رو به رو شده‌اند . هر دو کارگردان قرار است در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه بروند. تاکنون چند بار تاریخ اجرای نمایش‌های آنان تغییر کرده است. در این میان جای شکرش باقی است که طلسم اجرایی نمایش «بانوی محبوب من» به کارگردانی گلاب آدینه در حال شکسته شدن است. به تازگی گروه بازیگران این نمایش معرفی شدند. آدینه و مرزبان، هر دو پیش از کرونا تئاتر به کار اجرای نمایش‌های تازه خود شدند. گلاب آدینه تمرین‌های خود را با گروه بزرگی از بازیگران جوان که هنرجویانش هستند، آغاز کرد اما او نیز مانند دیگر همکاران خود ناچار شد در دوران کرونا تمرین این اثر نمایشی را چندین